



**آیت‌الله آملی لاریجانی: مقصود از جملات شرطی رئیس‌جمهور درباره قوه قضائیه چیست آن هم در حالی که این جملات در مورد قوه مجریه هم کاربرد دارد و می‌توان گفت**

# اگر قوه مجریه فاسد شود اگر رئیس‌جمهور فاسد شود کار سخت می‌شود

قابل قبول نیست که رسانه‌ها با گرفتن پول و برخلاف امنیت کشور برای اجانب کار کنند

## کجای برجام افتخار ملی است؟

یادداشت امروز

### خطرناک‌تر از ارتش آمریکا!

■ مهدی محمدی ■



شنیدن سروصدا و داد و فریاد از سوی معتدلان صاحب دولت، نباید ما را در این باره که مساله اصلی چیست فریب دهد. ظاهراً برخی از این ناراحتند که عده‌ای را گرفته و بسته‌اند یا نمایشگاه مطبوعات وزارت ارشادشان، از سوی جمعی از متفقدترین مطبوعات و رسانه‌های کشور به هیچ گرفته شده است. در واقع، اینها آدرس غلط است. آنچه اینان را چنین هراسان کرده مربوط به ناکام ماندن یک پروژه بنیادین تفاهم شده با کسانی در بیرون مرزهای ایران است که به قول ورزشی‌ها می‌رود تا همه رشته‌های حضرات را پنبه کند.

روزی که رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره نفوذ هشدار دادند، آنها که در جریان برخی «نقشه‌های کشیده شده درباره آینده» بودند دانستند که این هدف‌گیری چقدر دقیق است. از یک منظر، اصل مساله این بود که توافق هسته‌ای - هم اعتبار اجتماعی ناشی از آن، هم فضای رسانه‌ای شکل گرفته حول و حوش آن و هم سرمایه مالی‌ای که احتمالا به دنبال آن تولید خواهد شد - قرار است در خدمت کدام برنامه سیاسی قرار گیرد. هم در آمریکا و هم در ایران، برخی نزدیکان به مذاکرات هسته‌ای، پنهان نمی‌کردند که برجام برای آنها صرفاً ارزش واسطه‌ای دارد و هدف نهایی نیست. مقام‌های آمریکایی برجام را زیرساختی برای مهار استراتژیک ایران، تغییر معادله قدرت در داخل ایران و کاستن از نفوذ منطقه‌ای فرآینده آن می‌دانستند و در داخل هم گفته می‌شد برجام یک سکوست است که باید روی آن ایستاد و به سمت هدف‌های بزرگ‌تر پرش کرد.

استعاره نفوذ، کل این بازی را بر هم زد. به لحاظ راهبردی، این تغییر کل برنامه تفاهم شده میان برخی طرف‌ها در مرحله پس‌برجام را منتفی اعلام می‌کرد. قبل از هر چیز تبدیل شدن بحث نفوذ به کلدوازه محوری در مدیریت فضای پس‌برجام به این معنا بود که درک دقیقی از هدف‌های بعدی همه طرف‌ها در دستور عالی نظام، شکل گرفته است و در این باره که برجام می‌تواند و از نظر برخی باید مقدمه دگرگونی کامل ساختاری در ایران و سپس تغییر نقشه ژئوپلیتیک منطقه باشد، هیچ سوءتفاهمی وجود ندارد. راز اصلی عصبانیت‌های این روزها را باید همینجا جست‌وجو کرد. ضربه خوردن پروژه نفوذ، اجزای هسته‌ای مکمل برجام را غیرممکن می‌کند. برجام بنا بود در داخل ایران افکار عمومی را گروگان و دولت را همکار آمریکا نگه دارد. با بسته شدن مجاری راهبردی «تعامل پایه»‌ای که قلب آن باز کردن پای آمریکا به داخل ایران به بهانه‌ها و اشکال مختلف است، اجرای این پروژه عملاً ناممکن خواهد شد. همچنین برجام قرار بود به الگویی برای درگیر کردن ایران در یک سلسله فرآیندهای سیاسی «مذاکره‌محور» در منطقه بدل شود که خروجی آن نشستن تعامل به جای مقاومت و بده بیست‌ان پای میز مذاکره به جای نبرد در میدان باشد. توجه عمیق و بموقع رهبر معظم انقلاب اسلامی به ابعاد پنهان این پروژه، این امر را هم تقریباً به طور کامل منتفی کرده و امروز دیگر آمریکایی‌ها هم در این باره تردید ندارند که برجام اگر استراتژی منطقه‌ای ایران را تهاجمی‌تر نکرده باشد، قطعاً چیزی از شدت آن نکاسته است.

بسیار خب! اگر ضمیمه‌های داخلی و منطقه‌ای برجام از آن گرفته شود، چه چیزی باقی خواهد ماند؟ من فکر می‌کنم دقیقاً اندیشیدن به این مساله است که ذهن و زبان اعتدالیون را چنین تلخ و تند کرده است. جواب این است: تقریباً هیچ! اگر برجام یک تاکتیک باشد نه استراتژی، یک مصالحه حداقلی باشد نه یک افتخار ملی، یک امر دفعی باشد نه یک راهبرد مستمر و اگر مقدمه‌ای برای مقاومت جدی‌تر در داخل و خارج در مقابل آمریکا باشد نه تن دادن به «تعریف‌های دوجانبه با آمریکا» - به تعبیر گزارش کمیسیون برجام - از دیگر حوزه‌های اقتدار راهبردی ایران، آن وقت برجام یک فاجعه برای نقشه ۱۰ ساله‌ای خواهد بود که آمریکا با هدف بدل کردن ایران از یک حریف به یک مهره طراحی کرده است.

ادامه در صفحه ۵

### چگونه لابی «ن.ج» مرکز ملی فضای مجازی را فتح کرد!

گزارش

پس از تلاش‌های فراوان برخی مدیران دولتی برای تضعیف شورایی فضای مجازی، اخبار جدید حاکی از آن است که پروژه فتح کامل مرکز ملی فضای مجازی رسماً کلید خورده است!

هفته گذشته علاوه بر عزل و نصب‌های جدید دبیر شورایی فضای مجازی ساختمان این مرکز در امیرآباد نیز به حکم ابوالحسن فیروزآبادی با پوشش خبری گسترده با هدف رفع «دلخوری قدیمی وزارت ارتباطات» تقدیم واعظی در وزارت ارتباطات شد و دبیر جدید در ساختمان محقر اهدایی وزارت ارتباطات در سعادت‌آباد مستقر شد. همچنین گروهی از معاونان مرکز ملی فضای مجازی نیز با برخی افراد منتسب به لابی «ن.ج»، معاون خیرساز واعظی در پرونده «نزار زاکا» لبنانی تعویض شدند.

اما شنیده‌های «وطن امروز» نشان از آن دارد که این پایان تغییرات مورد پسند وزارت ارتباطات‌ها در مرکز ملی فضای مجازی نیست و ظاهراً طرح‌ها، برای همضم ساختاری کشور به عنوان عضو کم‌اثر در تشکیلات وزارت ارتباطات فراتر از این میزان است. بر همین اساس شنیده‌ها حاکی است «هادی سجادی»، معاون امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات سازمان فناوری اطلاعات به مدیریت جهانگرد، نامزد دریافت حکم مشاورت دبیر شورایی فضای مجازی شده است. سجادی همان مدیری است که هفته گذشته به علت افشای اطلاعات امنیتی مجموعه‌ای از شبکه‌های اجتماعی داخلی در خیرگزاری‌ها، بشدت تحت فشار قرار گرفته بود. وی توسط مدیران این شبکه‌ها به حمایت مشکوک از شبکه‌های اجتماعی خارجی به واسطه تخریب هوشمند مجموعه زیرساخت‌های داخلی متهم شده بود. انتشار گسترده حرکت ضدملی معاون «ن.ج» در رسانه‌های داخلی منجر به صدور بیانیه‌ای توسط سازمان فناوری اطلاعات شد که هیچ توضیحی درباره فضا سازی صورت گرفته در این سازمان ضد شبکه‌های اجتماعی داخلی بدون اشاره به خلأهای امنیتی رفقای خارجی، در آن به چشم نمی‌خورد. در بیانیه سازمان فناوری

اطلاعات اقدام استیجاری معاونت امنیت سازمان فناوری اطلاعات در انتشار نقاط ضعف شبکه‌های اجتماعی داخلی پس از حضور آنها در کارگاه آموزشی این سازمان در نمایشگاه تلکام، در راستای «افزایش سطح آگاهی عمومی مخاطبان» ارزیابی شده است! در حالی که بر واضح است چنین اطلاع‌رسانی می‌توانست پس از کمک فنی و اطلاعاتی به مدیران داخلی این شبکه‌ها رفع خلأهای امنیتی که در همه نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌ها و شبکه‌های سایبری داخلی و خارجی معمول است، صورت گیرد.

به این ترتیب می‌توان چنین برداشت کرد که مرکز ملی فضای مجازی پس از سکوت در برابر خطای فاجعه‌افزین سازمان فناوری اطلاعات در هتک اعتماد صاحبان شبکه‌های داخلی خصوصی در ایران و اتخاذ سیاست غیرمنطقی بی‌طرفی، دستخوشی نیز برای سجادی، معاون جهانگرد در وزارت ارتباطات در نظر گرفته است!

از دیگر اخبار شورایی فضای مجازی می‌توان به سکوت در برابر اعلام رسمی واگذاری پروژه شبکه «ملی» اطلاعات به ۱۲ شرکت مشاور خارجی اشاره کرد که در این زمینه نیز شاهد بودیم شورا، دبیر شورا و معاونت امنیت مرکز ملی فضای مجازی در سایه تأخیر ۲ هفته‌ای برگزاری جلسه شورایی و تعطیلی ۲ ماهه جلسات کمیسیون‌های تخصصی مرکز ملی، سکوتی غیرقابل توجیه اتخاذ کردند.

اهمیت واگذاری مهم‌ترین پروژه ملی شورایی فضای مجازی به شرکت‌های رقیب بین‌المللی در حوزه فناوری اطلاعات به حدی است که به سبب ایجاد خلأهای امنیتی ایجاد شده در مسیر طراحی آن، توجیه‌کننده هزینه‌های میلیاردی تلف شده به پای شبکه ملی اطلاعات با نقض عامل «ملی» نخواهد بود.

گفتنی است شبکه ملی اطلاعات زیرساخت، همه طرح‌های مبتنی بر وب حاکمیت در حوزه فضای مجازی است که از حلقه‌های اشتغال گرفته تا ابزارها و اپلیکیشن‌های دولت الکترونیک و محتوای فرهنگی کشور در بستر آن شکل گرفته و به جامعه عرضه خواهد شد.

نگاه

**شهاب‌الدین سینیایی:** علاوه بر همه مناقشاتی که بر سر مداخله یا عدم مداخله دولت در عرصه اقتصاد وجود دارد، «سیاست‌گذاری» به مثابه یک علم و یک فن با گرایش‌های مختلف عمومی، اجتماعی و اقتصادی در فضای آکادمیک در حال گسترش است. سیاست‌گذاران اقتصادی به ذات نمی‌توانند معتقد به دست نامرئی بازار باشند، نمی‌توانند بپذیرند می‌شود به فرآیند بازار (تعادل خودکار عرضه و تقاضا) اعتماد کرد. سیاست‌گذاری، علمی است میان نظریه و عمل. در سیاست‌گذاری مباحث پیچیده نظری در چارچوب مدل‌های عملیاتی به اجرا گذاشته می‌شود. نکته اینکه فرآیند توسعه در همه کشورهای پیشرفته جهان مبتنی بر حمایت‌گرایی و سیاست‌گذاری دولت بوده است. نمونه تحقق توسعه توسط دولت را می‌توان در ۲ کشور آلمان و ژاپن دید. همچنین آمریکا را - حتی امروز - به مثابه مهد حمایت‌گرایی دولت از اقتصاد داخلی می‌شناسند. مساله این است که در دنیای نابرابر امروز اگر منتظر دست نامرئی بازار باشیم، نه تنها به توسعه دست پیدا نمی‌کنیم بلکه ممکن است این دست نامرئی ما را به سمت رکود سوق دهد.

چندی پیش ۴ وزیر کابینه روحانی با مشاهده علائم و نشانه‌های بیماری در اقتصاد کشور، از رئیس‌جمهور خواستند برای جلوگیری از بحران اقتصادی، دولت را ملزم به اتخاذ سیاست‌های حمایتی کند. در نتیجه این نامه‌نگاری، یک بسته اقتصادی تنظیم شد که مبتنی بر رویکردهای «کینز»ی به اقتصاد است. «جان مینارد کینز» معتقد بود گاهی ممکن است سرمایه‌دار سود حاصل از فروش خود را در حالت پس‌انداز نگه دارد. در چنین شرایطی، نقدینگی موجود در بازار کاهش می‌یابد و پول به دست اقشار مصرف‌کننده نمی‌رسد که بتواند به خرید کالا و خدمات اقدام کند در نتیجه فرآیند عرضه و تقاضا از حالت تعادل خارج می‌شود. بدین ترتیب ابتدا تقاضا کاهش می‌یابد و در پی آن عرضه نیز کم و کمتر می‌شود بنابراین بازار دچار رکود و بحران اقتصادی می‌شود.

کینز معتقد بود در چنین شرایطی دولت با ورود به عرصه اقتصاد می‌تواند با افزایش نقدینگی و تزریق پول به جامعه، تقاضا را افزایش دهد تا وضعیت عرضه و تولید در کشور بهبود پیدا کند. اگر چه ممکن است تفاوت‌هایی میان بحران اقتصادی دهه ۱۹۲۰ آمریکا - که با «کینزگرایی» نجات یافت - و مشکلات کنونی اقتصاد ایران وجود داشته باشد اما - همانطور که گفته شد - برخی رجال کابینه یازدهم به این نتیجه رسیدند که برای فرار از رکود به کینزگرایی روی آورند.

### از نامه ۴ وزیر به روحانی تا تشدید چندپارگی در کابینه یازدهم

«مکتب نیاوران»<sup>۲</sup> همان‌گونه که به توسعه برون‌زا معتقد است، به دست نامرئی بازار نیز اعتقاد دارد. مطمئناً اگر قدرت این جریان در کابینه زیاد نبود، اکبر ترکان به خود این اجازه را نمی‌داد که با ادبیات خارج از عرف سیاسی و به شکلی هتاکانه به اظهار نظر احوال کاملاً مبرهن و آشکار است که بخش بزرگی از کابینه هیچ تمایلی به حمایت از این بسته نداشته و ندارند و تنها تحت فشار رسانه‌ها و افکار عمومی تن به تصویب این بسته اقتصادی داده‌اند. اینها همان طرفداران بازار آزاد هستند.

واکنش چند روز پیش «اکبر ترکان»، مشاور ارشد رئیس‌جمهور و رئیس شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری ایران به نامه ۴ وزیر برضاق خشم طرفداران بازار از قدرت‌گیری مخالفان‌شان در دولت است. وی در مصاحبه خود با سایت «اقتصادنیوز»، صراحتاً این ۴ وزیر را «فت‌خور» خطاب کرد و گفت: «چه کسی از پول مفت بدش می‌آید؟ همه خوششان می‌آید. بنابراین آنها با این انگیزه نامه را امضا کردند». پس از آن «محمدباقر نوبخت» سخنگوی دولت ضمن تشکر از ترکان، به شکلی آرام به اظهارات وی واکنش نشان داد: «ترکان مشاور ارشد رئیس‌جمهور و یک صاحب‌نظر است ولی نظر رسمی دولت توسط سخنگو بیان می‌شود».

امثال ترکان تصور می‌کنند تنها راه رسیدن به توسعه و حل مسائل اقتصادی کشور همان راه‌حل‌های اقتصاد بازار است. با نقد تند نامه ۴ وزیر توسط ترکان و واکنش ملایم نوبخت که تلاش می‌کرد نشان دهد سخنان مشاور ارشد رئیس‌جمهور بدون قصد بیان شده است، تعداد ولت‌مدرانی که دیدگاه‌های متعارض خود درباره مسائل اقتصادی را به شکل علنی بیان داشته‌اند، بیشتر شد. این اظهارات باعث شد شکاف میان طرفداران بازار و دیگر نحل‌های اقتصادی در کابینه یازدهم به شکلی شفاف‌تر و روشن‌تر خود را نشان دهد. این شکاف‌ها بیانگر آن است که دولت روحانی با تیم اقتصادی‌ای که متشکل از جریان‌های فکری متنوع و مختلفی است، به‌رغم تصویب و آغاز روند اجرایی شدن برجام، اتصال دوباره سیستم بانکی ایران به اقتصاد جهانی و فروش مجدد نفت، باز هم ممکن است نتواند راه همواری را برای توسعه اقتصادی کشور مهیا کند. شاید بهتر باشد رئیس‌جمهور دست به یک انتخاب تاریخی بزند. انتخاب میان طرفداران اقتصاد بازار و مخالفان آن و چه بهتر که برای یک بار هم شده به مخالفان دست نامرئی اعتماد بیشتری بکنیم.<sup>۳</sup>

نزدیکی روحانی به رفسنجانی و رویکرد پیش‌انتخاباتی وی نشان می‌دهد طرفداران اقتصاد بازار در دولت او، از توان زیادی برخوردار هستند.

«مکتب نیاوران»<sup>۲</sup> همان‌گونه که به توسعه برون‌زا معتقد است، به دست نامرئی بازار نیز اعتقاد دارد. مطمئناً اگر قدرت این جریان در کابینه زیاد نبود، اکبر ترکان به خود این اجازه را نمی‌داد که با ادبیات خارج از عرف سیاسی و به شکلی هتاکانه به اظهار نظر احوال کاملاً مبرهن و آشکار است که بخش بزرگی از کابینه هیچ تمایلی به حمایت از این بسته نداشته و ندارند و تنها تحت فشار رسانه‌ها و افکار عمومی تن به تصویب این بسته اقتصادی داده‌اند. اینها همان طرفداران بازار آزاد هستند.

واکنش چند روز پیش «اکبر ترکان»، مشاور ارشد رئیس‌جمهور و رئیس شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری ایران به نامه ۴ وزیر برضاق خشم طرفداران بازار از قدرت‌گیری مخالفان‌شان در دولت است. وی در مصاحبه خود با سایت «اقتصادنیوز»، صراحتاً این ۴ وزیر را «فت‌خور» خطاب کرد و گفت: «چه کسی از پول مفت بدش می‌آید؟ همه خوششان می‌آید. بنابراین آنها با این انگیزه نامه را امضا کردند». پس از آن «محمدباقر نوبخت» سخنگوی دولت ضمن تشکر از ترکان، به شکلی آرام به اظهارات وی واکنش نشان داد: «ترکان مشاور ارشد رئیس‌جمهور و یک صاحب‌نظر است ولی نظر رسمی دولت توسط سخنگو بیان می‌شود».

امثال ترکان تصور می‌کنند تنها راه رسیدن به توسعه و حل مسائل اقتصادی کشور همان راه‌حل‌های اقتصاد بازار است. با نقد تند نامه ۴ وزیر توسط ترکان و واکنش ملایم نوبخت که تلاش می‌کرد نشان دهد سخنان مشاور ارشد رئیس‌جمهور بدون قصد بیان شده است، تعداد ولت‌مدرانی که دیدگاه‌های متعارض خود درباره مسائل اقتصادی را به شکل علنی بیان داشته‌اند، بیشتر شد. این اظهارات باعث شد شکاف میان طرفداران بازار و دیگر نحل‌های اقتصادی در کابینه یازدهم به شکلی شفاف‌تر و روشن‌تر خود را نشان دهد. این شکاف‌ها بیانگر آن است که دولت روحانی با تیم اقتصادی‌ای که متشکل از جریان‌های فکری متنوع و مختلفی است، به‌رغم تصویب و آغاز روند اجرایی شدن برجام، اتصال دوباره سیستم بانکی ایران به اقتصاد جهانی و فروش مجدد نفت، باز هم ممکن است نتواند راه همواری را برای توسعه اقتصادی کشور مهیا کند. شاید بهتر باشد رئیس‌جمهور دست به یک انتخاب تاریخی بزند. انتخاب میان طرفداران اقتصاد بازار و مخالفان آن و چه بهتر که برای یک بار هم شده به مخالفان دست نامرئی اعتماد بیشتری بکنیم.<sup>۳</sup>

نزدیکی روحانی به رفسنجانی و رویکرد پیش‌انتخاباتی وی نشان می‌دهد طرفداران اقتصاد بازار در دولت او، از توان زیادی برخوردار هستند.